بسم الله الرحمن الرحیم

سفر یقین

قسمت یازدهم از سلسله‌ی سفر یقین...

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

11

سلسله مقالات «سفر یقین»

برادران و خواهران گرامی! در این حلقه مهم‌ترین مباحث حلقات گذشته، که در آنها به دلایل فطری وجود الله پرداخته شد، بررسی می‌شود و همچنان به برخی از اعتراض‌هایی که پیرامون آن حلقات مطرح شده است پاسخ داده می‌شود. گفته شد که در نهاد انسان برنامه‌ای به نام فطرت نصب شده است...

د. إياد قنيبي | أبو زينب محمد بهرامي



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira

السلام علیکم!

برادران و خواهران گرامی! در این حلقه مهم‌ترین مباحث حلقات گذشته، که در آن‌ها به دلایل فطری وجود الله پرداخته شد، بررسی می‌شود و همچنان به برخی از اعتراض‌هایی که پیرامون آن حلقات مطرح شده است پاسخ داده می‌شود.

گفته شد که در نهاد انسان برنامه‌ای به نام فطرت نصب شده است. سپس هدایت‌های فطری‌ای چون گرایش دین‌داری، بدیهیات عقلی، گرایش اخلاقی، احساس این‌که دنیا و هستی برای هدفی آفریده شده است و احساس اراده‌ی آزاد، به بسط گرفته شد.

در ادامه، دلالت هدایت‌های فطری بر وجود الله بررسی شد و توضیح داده شد که چگونه موقف اندیشه‌ی اسلامی در برابر هدایت‌های فطری همنوا و عقلانی است.

گفته شد که در مقابل، اندیشه‌ی الحادی در تعامل با هدایت‌های فطری به بن‌بست بر می‌خورد و در تنگنا قرار می‌گیرد. چرا که ملحدان، هستی را تفسیر مادی می‌کنند و به هیچ روی نمی‌خواهند به وجود الله اعتراف کنند و بپذیرند که آفریننده‌ی جهان و انسان، این هدایت-های فطری را در نهاد انسان نهاده است. همچنان نشانه‌های بارز الحاد برای ما روشن شد که آن‌ها را در زیر به گونه‌ی فشرده بیان می‌کنیم:

انکار مسلمات و بدیهیات.
تناقض و ناهمسازی.
ارایه‌ی تنایجی که انسان‌ها فطرتا و عقلا آن‌ها را بدون تفکر رد می‌کنند.
تحقیر و کاستن ارزش و کرامت انسان و تشکیک در درستی عقل و احساسات انسان.

همچنان توضیح داده شد که هرگاه ملحدان تلاش می‌کنند از تناقض فرارکنند، دچار تناقض و مشکلی بزرگ‌تر می‌شوند. به عنوان نمونه، وقتی می‌خواهند به بدیهیات عقلی اعتراف کنند، متوجه می‌شوند که این مسأله با جهان‌بینی الحادی و مادی در تقابل و تضاد واقع می‌شود و اگر بخواهند به ارزش‌ها و جهان‌بینی الحادی خود پایبند و متعهد بمانند، چاره‌ای ندارند جز این‌که رفتارهای غیراخلاقی‌ای را که هر انسان از آن‌ها متنفر است، تأیید کنند. برای همین، اگر ملحدی بگوید: «من سخنان غیر اخلاقی‌ای را که برخی از خداناباوران

گفته اند، نمی‌پذیرم»، یا بگوید: «من با دیدگاه ملحدانی که ضرورت‌های عقلی‌ای چون سببیت را به رسمیت نمی‌شناسند، قبول ندارم»، دردی را دوا نمی‌کند و گره‌ای را نمی گشاید. چرا که انکار این مسایل، با جهان‌بینی الحادی و مادی، ناسازگار می‌افتد. با این‌همه، ما در بسیاری از جاها از این‌گونه تعبیرها کار می‌گرفتیم: «اندیشه‌ی الحادی با این مسأله مشکلی ندارد» یا «الحاد می‌گوید»، تا کسی اعتراض نکند و نگوید: همه ملحدان به این باور نیستند. منظور ما از آن تعبیرها این است که جهان‌بینی و اندیشه‌ی الحادی چنین اقتضا و خواهش می‌کند، هرچند برخی از ملحدان بدان پایبندی و التزام نشان ندهند.

همچنان بیان گردید که خداناباوران با انکار فطرت و هدایت‌های فکری، تیشه بر ریشه ی خود می‌زنند و شعارهای خود را نقض و نقد می‌کنند. خداناباوران شعار می‌دهند که: «ما به عقل خود احترام و ارج می‌گذاریم»، «ما اُمانیست هستیم و به انسانیت باور داریم» و یا «من به علم باور دارم». همچنان در حلقه‌ی پنجم بیان گردید که الحاد به عقل اهانت می کند و آن را از ریشه و اساس برمی‌کند. در حلقه‌ی ششم و هفتم و هشتم، بیان گردید که الحاد انسان را تحقیر و توهین می‌کند و اخلاق انسانی را به رسمیت نمی‌شناسد. در حلقه ی دهم و یازدهم بیان شد که الحاد به علوم تجربی نیز ارج و ارزش نمی‌نهد و آن‌ها را بی اعتبار می-کند.

همچنان بیان گردید که خداناباوران دچار خطایی می‌شوند که پیوسته مسلمانان را به آن متهم می‌کنند. آنان مسلمانان را به خاطر ایمان به غیب سرزنش و ملامت می‌کنند، با این‌که مسلمانان برای مسایل غیبی دلیل و برهان دارند، اما ملحدان خود به مسایل غیبی ای باور دارند که هیچ دلیلی برای آن‌ها ارایه نشده است. مانند باور ملحدان به تفسیرهای مادی از هدایت‌های فطری. در حالی‌که هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد.

-همچنان مسلمانان را ملامت می‌کنند که چرا در پاسخ به برخی از پرسش‌ها می گویند: «دلیل آن را نمی‌دانیم»، در حالی که ایمان و تسلیم مسلمانان بر پایه‌های عقلانی استوار است. اما ملحدان خود همان عبارت را در پاسخ به برخی از پرسش‌ها مطرح می‌کنند. مثلا اگر کسی از آنان در باره‌ی اراده‌ی آزاد در انسان بپرسد و بگوید چرا این پدیده بر خلاف نگاه ملحدانه و مادی‌گرایانه در انسان وجود دارد، در پاسخ به همان روش متوسل می‌شوند.

-همچنان خداناباوران ادعا می‌کنند که خداباوران خود را فریب می‌دهند، در حالی که در حقیقت این خداناباوران هستند که خود را فریب می‌دهند؛ چنان‌چه در حلقه‌ی «برای چه به این جهان آمده ایم؟» این مسأله به تفصیل بررسی شد.

❊ ❊ ❊

چکیده‌ی سخن این که برخی از مسلمانان پرسش‌ها و شک‌ها و شبهاتی دارند که هنوز به پاسخ‌های قناعت‌بخش پیرامون آن‌ها نرسیده اند، یا به این دلیل که پاسخ آن‌ها را از منابع معتبر جست‌وجو نکرده اند و یا هم ایمان شان بر بنیادهای محکم و استوار اساس گذاشته نشده است و یا هم با منهج سالم و درست علمی آشنا نیستند، بدین معنا که متشابهات را در روشنی محکمات بررسی نمی‌کنند و به دیگر سخن، مسایل جزیی‌ای را که حقیقت آن‌ها برای شان روشن نیست به اساس‌های بزرگ عقیدتی که دلایل فراوانی بر درستی آن‌ها وجود دارد، ربط و پیوند نمی‌دهند و در نتیجه، دچار تردید و نگرانی می‌شوند.

چه بسا چنین کسانی، در نتیجه‌ی تراکم شبهات در ورطه‌ی الحاد فروافتند و گمان کنند که با انکار وجود الله، از این پرسش‌ها و شبهات رهایی می‌یابند و به آرامش می‌رسند، غافل از آن که انکار وجود الله، ابتدای مسیری است که در آن باید حقایق را یکی پی دیگری انکار کنند و در نتیجه، در ورطه‌ی پوچانگاری و ناهماهنگی و تناقض سقوط می‌کنند. در سایه‌ی اندیشه و جهان‌بینی الحادی همه چیز پوچ و هیچ می‌گردد؛ وجود الله توهم انگاشته می-شود و روشن است که انکار وجود الله، سرسلسله‌ی انکار همه‌ی ارزش‌ها و باورها است. خداناباوران اساسات و ضرورت‌های عقلی و ارزش‌های اخلاقی را توهم و خیالی بیش نمی-دانند. زندگی به نزدیک شان بی‌معنا و بی‌مفهوم است و هیچ هدفی پشت آن نهفته نیست. اراده‌ی آزاد انسان توهم پنداشته می‌شود و فشرده‌ی سخن این که انسان با تمام سازه‌های روحی و غیر مادی‌ای که حقیقت انسان را شکل می‌دهد، توهم محضی بیش پنداشته نمی-شود.

همان‌گونه که ویلیام پروواین (William B Provine) پرفسور تاریخ زیست‌شناسی از دانشگاه کورنیل به نمایندگی از خداناباورن می‌گوید:

«کار از انکار وجود الله آغاز می‌گردد و سپس قیامت و زنده شدن پس از مرگ خرافه خوانده می‌شود. پس از آن که از این دو اصل نجات یابیم، رهایی از مسایل و باورهای دیگر بسیار آسان می‌گردد. به گونه‌ای که ارزش‌های اخلاقی مطلق، نادیده گرفته می‌شود. در نهایت اراده‌ی آزاد مردود دانسته می‌شود. کم‌ترین امیدی وجود ندارد که بتوانیم برای زندگی معنا و هدفی بیابیم. زندگی می‌کنیم، می‌میریم، نابود می‌شویم، وقتی بمیریم به گونه‌ی جاودانه نیست و نابود می‌گردیم و دوباره زنده نخواهیم شد».

https://www.youtube.com/watch?v=pIvyKA۸eN۹g

هان! ای جوانی که به دین خود پشت می‌کنی و این خبر را با خوشحالی تمام به دوستان خود می‌رسانی و گمان می‌بری با این‌کار از پرسش‌ها و شبهه‌هایِ آزاردهنده نجات می‌یابی، متوجه باش که با این کار، تازه در بحر عمیقی از پرسش‌ها و شک‌ها و شبهه‌ها و تناقض‌ها گام نهاده‌ای و در واقع دست‌آویز محکم اسلام را رها کرده‌ای و در پرتگاه عمیقی فروافتاده‌ای! این حقیقتی است که از آن گریزی نداری، مگر آن‌که آن را نادیده بگیری و خود را بفریبی!

❊ ❊ ❊

بیایید تا اکنون به برخی از اعتراض‌هایی که پیرامون حلقه‌های گذشته وارد شده است، پاسخ بگوییم:

یکم: در حلقات گذشته به آیات استشهاد می‌شد و برخی اعتراض کردند که نباید خداناباوران را با آیات مخاطب قرار داد. همان گونه که در آغاز این سلسله گفته شد این سلسله تنها برای ملحدان و اهل شک و تردید نیست و مسلمانان هم مخاطب این سلسله اند و هدف ما آن است تا یقین شان افزایش یابد. با آن هم نمی‌توان استشهاد به آیات را در گفت‌وگو با ملحدان مطلقا خطا و ناروا دانست. اگر آیات قرآن در گفت‌گو با ملحدان به این شیوه ذکر شود که: «ای ملحد! الله چنین می-فرماید، پس باید تسلیم شوی، چرا که الله چنین فرموده است» می‌توان اعتراض کرد و گفت که این روش عقلانی نیست، چه ملحد اساسا به وجود الله باور ندارد، چه برسد که به سخن الله تسلیم شود. ما با استدلال به آیات قرآن می‌خواستیم هماهنگی منظومه‌ی اندیشه‌ی اسلامی را ثابت کنیم و هم-نوایی آن‌چه

را اسلام به الله نسبت می‌دهد آشکار گردانیم و در مقابل تناقض و نازسازگاری الحاد و ملحدان را به تصویر بکشیم. چرا که انسجام و هماهنگی از نشانه‌های حقّ و حقیقت و تناقض و ناهماهنگی از نشانه‌های باطل است، «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا/ اگر از جانب غیر الله می‌بود، اختلاف‌ها و ناسازگاری‌های بسیاری در آن می‌یافتند».

نکته‌ی مهم‌تر این‌که نمی‌توان به گونه‌ی مطلق گفت: «در گفت‌وگو با ملحدان نباید به آیات استدلال کرد»، چرا که بسیاری از آیات قرآن متضمن دلایل عقلی است و می‌توان آن ها را در گفت-گو با ملحدان مطرح کرد. مانند این آیت: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ/ آیا خودبه‌خود و از هیچ پدید آمده اند و یا خود شان خود را آفریده‌اند». ما این آیت را ذکر می‌کنیم نه به این خاطر که این مسأله در قرآن آمده است، بلکه به خاطر این که این آیت متضمن دلایل عقلی برای اثبات وجود الله است. به عنوان نمونه، ما نگفتیم که: «ای ملحدان! قرآن می‌گوید الله موجود است، پس باید اعتراف کنید که الله وجود دارد»!

دوم: برخی ایراد گرفتند که من از رد و نقد دلایل ملحدان وجود الله را ثابت شده دانستم، در حالی‌که الله نام برای خدا در منظومه‌ی اندیشگی اسلامی است و منتهای آن‌چه از حلقه‌ها دانسته می‌شود، فقط اثبات وجود خدا ست نه الله، در نتیجه، این ادعا که از حلقات گذشته وجود الله ثابت می‌شود، درست نیست و از آن حلقات چنین نتیجه‌ای به دست نمی‌آید.

در پاسخ باید گفت که حلقه‌های گذشته به دو چیز دلالت دارد، یکم: وجود خالق و مدیریت‌کننده-ی هستی، دوم: برخی از صفات و ویژگی‌های این خالق که مخلوقات بر آن ها دلالت دارد. و تنها دینی که اندیشه‌ی درستی پیرامون صفات خالق و مدبر جهان ارایه می‌کند، اندیشه‌ی اسلامی است.

مثلا در کتاب‌های تحریف شده، مانند آن‌چه «کتاب مقدس» نامیده می‌شود، این خالق به گونه‌ای توصیف شده است که شایسته‌اش نیست، چنان‌که آمده است که خدا با یعقوب کشتی گرفت و چیزی نمانده بود که یعقوب بر او غالب آید و این‌که این خالق پس از

آفرینش آسمان و زمین، استراحت کرده است و صفات دیگری که با صفات قدرت و حکمت الله متعال، که به برخی از آن‌ها در این سلسله پرداخته شد، تناسب و هماهنگی ندارد.

همان‌گونه که در حلقه‌ی ششم آورده ام که اثبات وجود خدا با صفات کمال مطلق، منتج به وجود ارزش‌های معنوی مطلق می‌گردد (مانند خیر و حق) و اساس‌های مطلقی برای اخلاق شکل می‌دهد.

پس دلایل ذکر شده، عملا ثابت می‌کند که اگر وجود آفریدگار ثابت شود، باید همان ویژگی‌هایی را داشته باشد که در اسلام بدو نسبت داده شده است، صفات و ویژگی‌هایی که با مظاهر قدرت و علم و حکمت و رحمت الله متناسب باشد، صفاتی که او را شایسته پرستش و الهیت می‌گرداند.

پس ذکر نام الله، کژبحثی نیست و با دلایلی که ارایه شده است تناسب دارد.

۳- برخی اعتراض کرده اند که: «شما با بیان بطلان الحاد صحت و درستی اسلام را ثابت می‌کنید، در حالی‌که بطلان الحاد، مستلزم صحت اسلام نیست».
در واقع بنده در حلقه‌های گذشته چنین ادعایی نکرده ام! بطلان الحاد را دلیل درستی اسلام ندانسته‌ام. یازده حلقه‌ی گذشته، سرآغاز سلسله‌ای است که به خواست الله ادامه خواهد یافت و ما در حلقه‌های گذشته دلایل فطری وجود الله را با برخی مسایل سودمند دیگر بررسی کرده ایم. دلایل فطری فقط بخشی از دلایل وجود الله است. عناصِر دیگری که درستی اسلام را تأیید می‌کند، بعدا بررسی خواهیم کرد، مانند اثبات نبوت محمد (صلی الله علیه وسلم) و این‌که قرآن کلام الله است و قوانین و تشریعات اسلامی.

۴- برخی دیگری اعتراض کرده اند که چرا در این سلسله از اصطلاحات و نقل قول های انگلیسی استفاده می‌شود. در پاسخ باید بگویم که بنده برای چند هدف این کار را می کنم:

مطمئن‌ساختن مخاطبان به دقت نقل قول‌ها. سخنانی که از ملحدان و داروینیست‌ها نقل می‌شود، غالبا تکان‌دهنده و باورنکردنی است و همین باعث می‌شود تا برخی گمان کنند که شاید متن اصلی چیز دیگری باشد و مترجم در آن تصرف کرده است و یا متن

اصلی دقیق ترجمه نشده است؛ برای اعتماد بیش‌تر متن سخنان شان را همان‌گونه که در منابع آمده است، نقل می‌کنیم. احیانا عنوان مرجع را به انگلیسی یادآور می‌شوم که دنبال کننده به سادگی بتواند به منبع اصلی مراجعه کند و مطمئن شود. به این دلیل که بسیاری از منابع استفاده شده در این سلسله هنوز ترجمه نشده است. گاهی اصطلاحات را به انگلیسی ذکر می‌کنیم چرا که تا کنون ترجمه‌ی مشخصی برای آن از سوی جامعه‌ی علمی ارایه نشده است و مجبور می‌شوم آن را به انگلیسی بگویم تا دنبال‌کننده متوجه شود که منظور چیست و از چه سخن می‌گوییم.

بنده در حلقات گذشته به پاره‌ای معین از آن‌چه «تئوری داروین» نامیده می‌شود، پرداخته‌ام و آن پیامدهای اخلاقی نظریه‌ی تکامل داروین و تفسیر مادّی هدایت‌های فطری و برخی از رفتارهای اخلاقی بود و برخی گمان کرده اند که من به اصل نظریه‌ی داروین پرداخته‌ام و برای همین شروع کردند از این نظریه دفاع کردند و تلاش کردد تا آن را ثابت کنند و با این همه انتظار دارند که پرسش‌های شان را پاسخ دهم!

دوست دارم در این جا به شیوه‌ی کاری خود در این سلسله اشاره کنم که روش من در این سلسله تعیین مسأله‌ی مورد مناقشه و دقت و تحلیل و تجزیه‌ی درست آن‌ها ست. من تا کنون نظریه‌ی تکامل را بررسی نکرده ام و بررسی تفصیلی و علمی این نظریه را به پس از بررسی دلایل عقلی وجود الله محول می‌کنم. با این بیان به پایان دلایل فطری وجود الله می‌رسیم و در حلقه‌های بعدی به بررسی دلایل عقلی وجود الله می‌پردازیم و در این حلقات به خواست الله مسایل به گونه‌ی قانع‌کننده بررسی می‌شود و پاسخ‌های سودمند به پرسش‌های تان ارایه خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمۀ الله وبرکاته

نویسنده: دکتر إِیاد قُنیبی
مترجم: ابوزینب محمد بهرامی
تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



No-Atheism.net


No_Atheism


Islamway١٤٣٤


No_Atheism